

بیانیه کمیته کارزار مشترک ۱۲ فروردین - جمهوری اسلامی، نه! جمهوری، آری!

مردم آزاده ی ایران و جهان!

۲۶ سال پیش در چنین روزی، در روز دوازدهم فروردین ۱۳۵۸، در فردای انقلابی که نظام پادشاهی را در ایران واژگون کرد، شالوده قانونی نظام ناشناخته ای ریخته شد که «جمهوری اسلامی» نام گرفت. مردم ایران با آرزوی دیرینه تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و با احساس رهایی از استبداد دیرپای سلطنتی به پای صندوق های همه پرسی فراخوانده شدند، بی آنکه از مضمون واقعی و نهادها و ساختارهای قدرت تازه آگاهی داشته باشند، بی آنکه از طریق مجلس موسسان منتخب خود و در شرایطی دمکراتیک و بواسطه نمایندگان سیاسی و صنفی برگزیده خود بتوانند در چند و چون و گزینش سرنوشت سیاسی خود اظهار نظر و تصمیم گیری کنند. «آری» به جمهوری اسلامی در آن همه پرسی شتابزده در حقیقت «نه» به نظام واژگون شده ای بود که مردم دیگر آن را نمی خواستند.

از آن پس جمهوری اسلامی با تحمیل قانون اساسی واپسگرای خویش و شکل دادن به نهادهای سرکوبگر خود همه عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آزاد شده در اوان انقلاب را یک به یک و با توحشی بی سابقه از دست مردم و آزادیخواهان باز ستاند و با استیلائی حکومت سرکوب و ترور و تحمیل خسران های جبران ناپذیر مادی و معنوی تا امروز به حیات خویش ادامه داده است.

زنان و مردان مبارز و آزادیخواه ایران!

به یمن مقاومت مداوم شما در برابر تجاوزات بی وقفه استبداد واپسگرای مذهبی به آزادیهای بنیادین فردی و اجتماعی، به یاری حرکت های خودجوش و هوشیارانه شما در این سالها برای گشودن تنفسگاه های تازه اجتماعی و سیاسی و پس راندن حاکمان مستبد و انحصار طلب و نیز با تکیه بر بیداری شما نسبت به طرفیتهای و تنگناهای جمهوری اسلامی بعنوان یک نظام و رد و نفی مجموعه آن، نظام جمهوری اسلامی دیگر از هیچگونه مشروعیتی برای ادامه حیات سیاسی برخوردار نیست.

ما امضاء کنندگان این بیانیه همراه و با تکیه بر حمایت همه نیروهایی که به دعوت برپائی این کارزار مشترک پاسخ مثبت گفته اند در اینجا گرد آمده ایم تا در سالگشت ۱۲ فروردین به نشانه اعتراض به موجودیت نظام آزادی کش حاکم بر ایران پشتیبانی خود را از مبارزات و خواست های برحق شما اعلام داریم و صدای این اعتراض را بگوش افکار عمومی جهانی، نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و نمایندگان پارلمان اروپا برسانیم.

صدای دانشجویان، روشنفکران، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، حقوق بشری و فرهنگی را برای آزادی و دموکراسی؛

صدای زندانیان سیاسی ایران را برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی؛

صدای اعتراضات و اعتصابات کارگری و کارمندی و تلاش آن ها را برای ایجاد تشکل های مستقل؛

صدای اقوام و مردمان مورد تبعیض و ستمدیده را برای حقوق و فرصت های برابر.

ما جمهوری اسلامی و قانون اساسی آنرا مانع اصلی استقرار دموکراسی و تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی در ایران می دانیم و در راه برچیدن این نظام، بر پایه باورها و خواست های زیرتلاش خواهیم کرد:

ما خواهان استقرار یک جمهوری واقعی در ایران بر پایه ی دموکراسی، جدایی دولت و دین، انتخابات آزاد و همگانی، و پذیرش و رعایت اصول مندرج در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی پیوست آن هستیم. ما با هر گونه حکومت دینی، ایدئولوژیکی، موروئی و پادشاهی مخالفیم.

ما، در نفی هر گونه تبعیض جنسی و در دفاع از آزادی زنان، هوادار جمهوری ای هستیم که در آن زنان ایرانی در همه ی عرصه های زندگی اجتماعی و اقتصادی، از جمله در نهاد های سیاسی، اجرایی و قانون گذاری، از حقوق و فرصت های برابر با مردان برخوردار باشند.

ایران سرزمین تاریخی و مشترک همه ماست. تبعیض، نابرابری و ستمگری نسبت به هر یک از اقوام و خلقهای ساکن آن نه تنها با اصل بنیادین برابری شهروندان مغایر است بلکه همبستگی و همزیستی میان آنان را در ایران واحد دمکراتیک به مخاطره می افکند. ما از برخورداری همه

آنان از حقوق و امکانات برابر در تمامی عرصهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پشتیبانی می کنیم و خواهان آن هستیم که به مطالبات آنان به شیوه ای دمکراتیک پاسخ داده شود.

در دفاع از حق زندگی همه انسانها، ما هوادار لغو مجازات اعدام و ممنوعیت هرگونه شکنجه و آزار مغایر با

شئون و حیثیت انسان هستیم.

در مخالفت با دیوان سالاری استبدادی و تاریخی در ایران، ما طرفدار جمهوری هستیم که در آن اداره ی کشور به صورت غیر متمرکز با توسعه ی دموکراسی محلی صورت گیرد و تصمیم گیری های مربوط به اداره ی امور محلی و منطقه ای به نهاد های منتخب مردم همان محل و منطقه واگذار شود.

ما برای باوریم که سرنوشت ایران را مردم ایران تعیین می کنند. در پیروی از اصل استقلال ملی و حاکمیت مردم، ما با هرگونه دخالت نظامی و مداخله قدرت های خارجی در حق حاکمیت مردم ایران مخالفیم.

ما از اعمال فشارهای سیاسی و دیپلماتیک به جمهوری اسلامی به خاطر نقض خشن حقوق بشر در ایران، حمایت می کنیم.

کمیته کارزار مشترک ۱۲ فروردین

۲۸ مارس ۲۰۰۵ برابر با ۸ فروردین ۱۳۸۴

درباره دومین دور انتخابات نمایشی ریاست جمهوری در ایران

دوخ جمهوری اسلامی و گزینه اژدها و مار غاشیه

□□□□□ □□ □□□□□ □□□□□ □□□□□□□□ □□ □□□□□ □□□□□□

بررسی نتایج انتخابات غیر دمکراتیک ۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۴ و تعیین دوره دوم این انتخابات در تاریخ جمعه سوم تیرماه ۱۳۸۴ ما را بر آن می دارد که در ادامه "بیانیه شورای هماهنگی

جمهوریخواهان دمکرات و لائیک در باره تحریم نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران" (مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۴)، نکات زیر را در معرض افکار عمومی بگذاریم.

1) نتایج انتخابات ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ مخدوش و فاقد اعتبار حقوقی و سیاسی براساس موازین دمکراتیک است. شرکت فعال نیروهای مسلح بویژه سپاه و بسیج در انتخابات تا بدان پایه که بنا به گفته سخنگوی وزارت کشور، "ستاد کل نیروهای مسلح کشور" در آن مداخله داشته، حتی با قوانین جمهوری اسلامی که مداخله نیروهای انتظامی را در امر انتخابات ممنوع اعلام می دارد مغایر می باشد. نقش روز افزون سپاه و بسیج بویژه پس از انتخابات مجلس هفتم و طی انتخابات اخیر در سیاستگزاریهای نظام مقام بی سابقه ائی یافته است. حمایت فعال شورای نگهبان از این مداخلات که بویژه با استفاده از نیروهای بسیج به تشکیل "هئیت نظارت" سیصد هزار نفره با بودجه رسمی چهارده میلیارد تومانی مبادرت ورزیده است، انکار ناپذیر است. استنادات و دعاوی آقای کروبی مبنی بر "دخالت‌های سازمان یافته در هدایت آراء" که عیناً مورد تأیید آقایان رفسنجانی و معین نیز قرار گرفته است، و نیز مخدوش بودن آرای چهار استان بزرگ کشور، علاوه بر فضاحت‌های انتخاباتی مربوط به وزن آراء باطله (۷ در صد)، استفاده از شناسنامه های متعدد، اختصاص غیرمجاز بودجه دولتی و شهرداری به تبلیغات برخی کاندیداهای انتخاباتی جملگی مؤید آن است که نتیجه این انتخابات نمایشی، نظیر خود این انتخابات باطل است و رعایت حداقل ضوابط حقوقی مستلزم به تعویق افکندن دور دوم انتخابات، رسیدگی به شکایات کاندیداهای "برکنار شده"، شمارش مجدد آراء تحت نظارت نهادهای مستقل بدور از مداخله سپاه و برگزاری مجدد آن می بود. اما از آنجا که حکم حکومتی ولی فقیه مبنی بر "مشارکت حداکثری در انتخابات" بوده است، می باید، اولاً با توسل به همه گونه تقلبات انتخاباتی مرسوم در نظام جمهوری اسلامی و نظامی کردن انتخابات میزان مشارکت مردم را به بالاتر از حد نصاب ۵۰ در صد می رساندند؛ و ثانیاً در شمارش آراء چنان مداخله می کردند که در دور دوم انتخابات نمایشی، مردم ایران را در دوزخ جمهوری اسلامی ناگزیر از پناه بردن به "اژدها" (هاشمی رفسنجانی) در مقابل "مارغاشیه" (احمدی نژاد) نماید.

2) گزینه "اژدها" یا "مارغاشیه" مبنای نظام دوزخی است که در آن همواره ترس همگانی از وخامت بیشتر اوضاع، تشدید ناامنی و ادبار، و افزایش فقر بیعت "امت" و "امام" را ممکن کرده است. مع الوصف نیک اگر بنگریم، نتایج همین انتخابات نمایشی نشان می دهند که بازیگران اصلی این صحنه همه اجزای یک نظامند. آیا جز این است که اصلاح طلبان با پذیرش حکم حکومتی ولی فقیه در ابقای نامزدی معین به گرم کردن تنور انتخابات شتافتند و از یاری دبیر کل نهضت آزادی و بخشی از نیروهای موسوم به ملی - مذهبی که با کمترین گوشه چشمی تمای شرط و شروط این حزب را برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات فراموش کردند، برخوردار شدند؟ آیا سکوت مماشات طلبانه رئیس جمهور تدارکاتچی و وزارت کشور در قبال شورای نگهبان و مداخله

نظامیان را نباید یکی از آخرین پرونده های شرم آور حکومت اصلاح طلبان دانست؟ و یا آن که باید از حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی سخن گفت که بی اعتنا حتی به اظهارات کاندیدای خود در طرف کمتر از یک شبانه روز، پرونده مخدوش انتخابات را خاتمه یافته تلقی کردند و حمایت خود را از رفسنجانی در دور دوم انتخابات اعلام داشتند؟ برآستی چه کسانی بیش از اصلاح طلبان حکومتی در شکستن سیاست تحریم ایفای نقش کردند؟ مگر نه آن است که آقای کروبی در "نامه سرگشاده خود به خامنه ای" هدف اولیه و مقدم خود را "گرم کردن تنور انتخابات" می داند، و آقای رفسنجانی نیز که از هم اکنون خود را در مسند ریاست جمهوری می بیند یکی از سه هدف اصلی را که نقداً تحقق یافته است، "کمک به مشارکت حداکثری مردم" می شناسد؟ گیریم که این انتخابات تعارض قدیمی "مجمع روحانیون مبارز" و "روحانیت مبارز" را که از سال ۱۳۶۶ تاکنون پنهان و آشکار در جریان است بدان پایه رسانده باشد که بنیانگذار مجمع روحانیون مبارز از آن خارج گردیده، سودای تأسیس حزبی جدید را در تقابل با "سکولارها و متحجرین" داشته باشد؛ گیریم که اختلافات خانوادگی روحانیت مظهر خود را بر تاروپود رقابتهای انتخاباتی زده باشد و بدین سان دور جدیدی از کشمکش های حزبی و خطی را در فردای انتخابات نهمین دوره وعده دهد، اما آیا بجز این است که جملگی منفعت و مصلحت حفظ نظام را اصل می شمارند؟ و حال اگر افراط و تفریط کاریهای "اصلاح طلبان" یا "متحجرین" با مصلحت نظام جور در نیاید، یا با مقتضیات داد و ستد و چانه زنی با اروپا و بویژه ایالات متحده آمریکا که دل مشغولی اصلی سردمداران نظام در لحظه حاضر است انطباق نداشته باشد، تعدیل و تصحیح می شود. نه پیروزی رفسنجانی در دور دوم انتخابات به معنای حذف احمدی نژادهاست و نه پیروزی احمدی نژاد، حذف رفسنجانی ها را بدنبال خواهد داشت؛ یکی در پرونده قتل میکونوس سهمیم است (رفسنجانی به همراه خامنه ای) و آن دیگری (احمدی نژاد) در تدارک قتل دکتر قاسملو؛ ولو آن که عالیجناب خاکستری خود را در مقام ژاک شیراک، در برابر ژان ماری لوپن تصویر کند، و در رقابت با احمدی نژاد بجای کروی بخت "جلب و مشارکت حداکثری" را در دور دوم انتخابات به مراتب بیشتر بداند بی آنکه همزمان از "ابراز همدردی" ریاکارانه با کروی غفلت ورزد.

(3) یکی از مهمترین ویژگیهای انتخابات اخیر، حضور معنوی و سیاسی غایبین حاضر در صحنه یعنی تحریمیان بود، آنان که از جانب وزیر اطلاعات لقب طرفداران "براندازی نرم" را گرفته بودند. این جنبش به رغم آنکه طیف گسترده و متنوعی از مخالفان حکومت اسلامی را در بر می گیرد، نتوانست از تمامی ظرفیتهای خود بهره جوید. جنبش تحریم بازتاب وسوسه و دغدغه اصلی عموم شهروندان ایرانی بالاخص زنان و جوانان و مزد و حقوق بگیران، و اقوام تحت ستم پیرامون تعارض نظام جمهوری اسلامی با دموکراسی و حقوق بشر می باشد. افزایش نافرمانی های مدنی در روزهای اخیر، تظاهرات و اعتصاب غذاها و همگرایی هرچه بیشتر جمهوریخواهان داخل و خارج کشور، نشانگر تقویت صدای سومی است که ما خود را بدان متعلق می دانیم. جنبشی که بجای اتکا به هراس مردم، بر آگاهی، توانائی و خواست عمومیشان یعنی دموکراسی، حقوق

بشر، آزادی و عدالت اجتماعی تکیه دارد. با درک دشواریهای طاقت فرسای زیستن در زیر سیطره چنین نظامی، جز بیان همدردی با مردمی که در برابر چنین گزینه های دوزخی قرار گرفته اند چه می توان گفت؟ بی گمان انتخابات اخیر و نحوه شرکت یا عدم شرکت گروه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، سنی، جنسی، قومی و مذهبی بازتاب گوناگونی جامعه ماست. لیکن ما، بعنوان بخشی از این صدای سوم با پافشاری بر سیاست تحریم دور دوم انتخابات، به تقویت و تکوین همان قطب مستقلی از جمهوریخواهان دمکرات، مدافع جدائی دین از دولت می اندیشیم که تلاش می کنند تا خود را مستقل و جدا از انجمن ها و تشکلهای حکومت ساخته و وابسته بدان سازمان دهند و راه برچیدن این نظام ضد دمکراتیک را هموار نمایند.

گروه کار سیاسی جمهوریخواهان دمکرات و لائیک

پنجشنبه دوم تیرماه ۱۳۸۴

مطابق با ۲۳ ژوئن ۲۰۰۵

طرح پیشنهادی گروه کار ساختار

طرح پیشنهادی گروه کار ساختار

سندی که هم اکنون در معرض افکار عمومی قرار می‌گیرد، سندی است موقت که برای تصویب در نخستین گردهم‌آیی سراسری و به منظور سامان دادن فعالیت‌های جمهوریخواهان دمکرات و لائیک تا مجمع عمومی سراسری بعدی از جانب 'گروه کار ساختار' ارائه می‌شود. تلاش برای تکمیل و تدقیق این سند از اهم وظایف ما در آینده محسوب می‌شود.

گروه کار ساختار از همه‌ی دوستان و علاقمندان تقاضا می‌نماید پیشنهادات خود را به منظور تصحیح، تکمیل و تدقیق سند پیشنهادی حاضر، تا قبل از ۱۵ اوت ۲۰۰۴، از طریق نشانه‌ی زیر به اطلاع ما برسانند. تمام نکات قید شده در گروه (و نه مطالب مطروحه در پرانتز) و نیز پیشنهادات مختلف در برخی بندها حاوی نکاتی است که در مورد آنها گروه کار ساختار نظر واحدی ندارد.

گروه کار ساختار - ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۴

sanade_sakhtar@sedaye-ma.org

نام تشکل 'جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران است (۱).

۲. تعریف

'جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران جنبشی است کثرت‌گرا، فراگیر، دمکراتیک، باز، علنی و مستقل که جمهوریخواهان لائیک و دمکرات را بر مبنای اسناد پایه مصوب مجمع عمومی سراسری سپتامبر ۲۰۰۴ (سند سیاسی و ساختاری) گرد هم می‌آورد.

۳. عضویت

مبنای مشارکت در کوششهای 'جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران فردی است، صرفنظر از وابستگی یا عدم وابستگی افراد به احزاب، سازمانها، تشکلهای و انجمنهای سیاسی دیگر.

هر فرد که چارچوب سند سیاسی و ساختاری را بپذیرد و داوطلب فعالیت در یکی از عرصه‌های فعالیت باشد [و حق عضویت بپردازد]، عضو 'جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران می‌باشد.

اعضا از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه نهادها برخوردارند.

نیازهای مالی جنبش از طریق کمکهای اعضاء و دوستان جنبش تأمین خواهد شد. جنبش در قبال دریافت کمکهای مالی هیچگونه شرط یا تعهدی نمی‌پذیرد.

۴. نهادها

۴-۱. نهاد محلی

پیشنهاد الف: نهادهای محلی به منظور پیشبرد فعالیتهای شهری، منطقه‌ای یا کشوری از افراد داوطلب تشکیل می‌شوند.

پیشنهاد ب: اعضای جنبش بنا به امکانات باید در محل اقامت خود به منظور پیشبرد فعالیتهای محلی، نهاد محلی (شهری، منطقه‌ای و کشوری) تشکیل دهند.

این نهادها در همه تصمیم‌گیری‌ها و روشهای کار خویش خودمختار و خودگردانند. مبنای تعلق آنها به 'جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران پذیرش سند سیاسی و ساختاری و مشارکت در فعالیتهای سراسریست.

۲-۴. گروه کار

گروههای کار از افراد داوطلب تشکیل میشوند که برای پاسخگویی به نیازهای عاجل یا پایدار جنبش در زمینه‌های نظری و یا اقدامات عملی، به صورت سراسری یا محلی گرد هم می‌آیند. این گروهها در پیشبرد وظایف و روشهای کار خویش خودمختارند. گروه کار از جانب نهادها در سطوح گوناگون تعیین میشود و در قبال آنها پاسخگوست. گروههای کار مختارند حاصل فعالیتها و تحقیقات خود را با نام گروه کار و به مسئولیت خود منتشر کنند.

۳-۴. مجمع عمومی سراسری

عالی‌ترین ارگان جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران مجمع عمومی سراسری است که در فاصله حداقل یک سال و حداکثر ۱۸ ماه با شرکت اعضا و علاقمندان برگزار میشود. این مجمع نشستی است علنی و باز، و در آن اعضای جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران از حق شرکت در رأی‌گیری برخوردارند. این مجمع در تصمیم‌گیری پیرامون همه‌ی مسایل اعم از سیاسی و تشکیلاتی تام‌الاختیار است.

پیشنهاد الف : مجمع عمومی سراسری ۲۵ نفر را با رأی مستقیم و مخفی به عنوان شورای هم‌آهنگی انتخاب می‌کند.

پیشنهاد ب : نمایندگان نهادهای محلی و گروههای کار سراسری می‌توانند به شورای هم‌آهنگی اضافه شوند.

پیشنهاد ج : مجمع عمومی سراسری ۲۵ نفر (۱۳ زن و ۱۲ مرد) را انتخاب می‌کند. در فاصله‌ی بین کنگره‌ی مؤسس و کنگره‌ی بعدی ۲۵ نفر دیگر (۱۲ زن و ۱۳ مرد) از نمایندگان نهادهای شهری به آنها اضافه خواهند شد.

پیشنهاد د : شورای هم‌آهنگی که اعضای آن با رأی مخفی در مجمع عمومی انتخاب میشوند به طور عمده مرکب از هم‌آهنگ‌کنندگان گروههای کار سراسری و واحدهای محلی است. برای تکمیل و تقویت شورای هم‌آهنگی کسان دیگری نیز در مجمع عمومی داوطلب و یا از جانب آن نامزد عضویت در شورا میشوند. برای آن که همه‌ی اعضای شورای هم‌آهنگی از مشروعیت حقوقی برابری برخوردار باشند، گروههای کار سراسری در مجمع عمومی تعیین و داوطلبان شرکت در هریک از آنها و نیز نمایندگان آنها برای عضویت در شورا اعلام میشوند تا بتوانند در انتخابات عمومی شرکت کنند. واحدهای محل موجود نیز نمایندگان خود را برای شرکت در انتخابات شورا به مجمع

عمومی معرفی می‌کنند.

دقایق حقوقی و اجرائی انتخابات حکم می‌کند که در روز نخست گردهم‌آیی، گروه کاری برای رسیدگی و بررسی ترکیب شورای هم‌آهنگی، تعداد اعضا و چگونگی انتخاب آن تشکیل شود و پیشنهادات عملی خود را از جمله با توجه به میزان و ترکیب شرکت‌کنندگان در گردهم‌آیی سراسری به برگزارکنندگان ارائه دهد.

مجمع عمومی پس از استماع گزارش سالیانه شورای هم‌آهنگی و بحث پیرامون آن در تأیید یا رد آن رأی گیری می‌کند.

۴-۴. شورای هم‌آهنگی

شورای هم‌آهنگی عهده دار وظایف زیر است :

- ۱) پیشبرد وظایفی که مجمع عمومی سراسری به عهده‌ی شورای هم‌آهنگی وا می‌گذارد.
- ۲) هم‌آهنگ کردن فعالیتهای نهادهای گوناگون و کمک به ایجاد و گسترش آنها، و نیز نظارت بر فعالیت گروههای کار سراسری.
- ۳) موضع‌گیریهای سیاسی به نام 'جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران در چارچوب اسناد و مصوبات مجمع عمومی سراسری.
- ۴) پیشبرد کارزارهای سراسری و برنامه‌ریزیهای عمومی.
- ۵) برگزاری مجمع عمومی سراسری آینده.
- ۶) خزانه‌داری سراسری.
- ۷) ارتباط با دیگر نیروها و مجامع ایرانی و خارجی.

تبصره ۱ : شورای هم‌آهنگی در موضوعات مهمی که خود تشخیص می‌دهد به اتفاق آراء تصمیم می‌گیرد. در صورت عدم اتفاق آراء، شورای هم‌آهنگی آن موضوع را به نظرخواهی عمومی یا به مجمع عمومی سراسری واگذار می‌کند.

تبصره ۲ : شورای هم‌آهنگی اختیار دارد آئین‌نامه‌ی داخلی خود را تدوین کند و نهادهای را

برای پیشبرد کارش تشکیل دهد. این آئین‌نامه و ترکیب این نهادها علناً انتشار خواهد یافت.

تبصره ۳ : شورای هم‌آهنگی و نیز نهادهای دیگر مختارند به منظور پیشبرد فعالیت‌های خود از رایزنی و کمک فکری و عملی همراهان، صاحب‌نظران و مشاورانی که به این منظور دعوت میشوند، برخوردار باشند.

۵. مشارکت زنان

جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران خود را به تأمین مشارکت هرچه گسترده‌تر زنان در همه عرصه‌های فعالیت متعهد میداند. شیوه‌ها و چگونگی این مشارکت مطابق با مصوبه مجمع عمومی تعیین خواهد شد.

پیشنهاد الف : جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران حرکتی است نوآور، جنبشی و دمکراتیک. لازمی شکل‌گیری این حرکت مشارکت بلاواسطه‌ی زنان است. این امر شدنی نیست مگر آنکه اهرم‌های دخالت‌دهی و دخالت‌گری زنان در این حرکت فراهم شود. جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران آگاهانه سهمیه بندی ۵۰٪ زنان را در حرکت خود در تمامی نهادهای انتخابی و انتصابی برای تحقق برابری حقوق عملی می‌سازد.

پیشنهاد ب : در اولین گردهم‌آیی سراسری در ترکیب شورای هم‌آهنگی سهمیه بندی زنان در نظر گرفته می‌شود؛ این سهمیه بندی به نسبت تعداد زنان و مردان شرکت کننده در گردهم‌آیی خواهد بود.

پیشنهاد ج : در اولین گردهم‌آیی سراسری در ترکیب شورای هم‌آهنگی سهمیه بندی زنان در نظر گرفته می‌شود؛ این سهمیه بندی به نسبت تعداد کاندیداهای زن و مرد در انتخابات شورای هم‌آهنگی خواهد بود.

پیشنهاد د : جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران کاندیداتوری متساوی زنان و مردان را در تمامی نهادهای انتخابی، تشویق می‌نماید.

۱- نظر به اهمیت انتخاب نام و لزوم مشارکت همه جمهوریخواهان لائیک و دمکرات در تعیین آن، ستونی در سایت صدای ما^۱ باز خواهد

شد تا کلیه پیشنهادات مربوط به نام از طریق آن گردآوری شود.

گزارش سمینار مردم سالاری و جمهوری لائیک در ایران

گزارش سمینار مردم سالاری و جمهوری لائیک در
ایران

پاریس ۱۴ و ۱۵ تیر ۱۳۸۲

جمعه ۱۰ مرداد ۱۳۸۲ - ۱ آگوست ۲۰۰۳
نزدیک به ۱۵۰ نفر از روشنفکران و کوشندگان
سیاسی و فرهنگی ایرانی در تبعید، از شهرهای
مختلف اروپا و آمریکای شمالی، شنبه و یک
شنبه ۱۴ و ۱۵ تیر ۱۳۸۲ (۵ و ۶ ژوئیه ۲۰۰۳) در
پاریس گردهم آمدند و در باره مسائل مربوط به
"معنای مشخص جمهوری لائیک در ایران"، "سرنوشت
اصلاحات در جمهوری اسلامی" و "گام های مشترک"
جمهوری خواهان مستقل ایرانی، به بحث و گفتگو
پرداختند.

نشست، با خوش آمد گویی آقای شهرام قنبری
گشایش یافت. او که از سوی هیئت تدارک سمینار
سخن می گفت درباره چرایی و چگونگی برگزاری
سمینار اظهار داشت: پس از انتشار بیانیه "
جمهوری اسلامی، جمهوری لائیک و جایگاه ما" در
سه خرداد ۱۳۸۰ (۲۳ ماه مه ۲۰۰۱) شمار زیادی
از ۱۸۶ امضاء کننده بیانیه، ما دست
اندرکاران را در برابر این پرسش به جا قرار
دادند که گام بعدی چیست و برای تحقق خواست و
آرزویی که در بند آخر بیانیه آمده، چه
تدبیری اندیشیده شده؟ بند آخر بیانیه اشعار
می دارد: "خواست و آرزوی مشترک امضاء
کنندگان این است که طیف گسترده ای از آزادی

خواهان، از افق‌ها و خواستگاه‌های گوناگون پیرامون این اصول و مواضع [موازین جهانی حقوق بشر، رعایت شان و حیثیت ذاتی انسان، آزادی عقاید و ادیان، برابری حقوق زن و مرد، تامین عدالت اجتماعی و حقوق اقلیت‌های ملی و قومی] گردهم آیند. طیفی که از يك سو مخالف اصولی هر گونه حکومت دینی است و با هر شکلی از جمهوری اسلامی ناسازگار است و از سوی دیگر بر آن است که به سهم خود زمینه شکل‌یابی جمهوری لائیک در ایران را هموار سازد؛ با برداشتن گام‌های سنجیده، نیروی خود را به جنبش‌های اعتراضی مردمان سرزمین مان پیوند زند، زبان آزاد خواسته‌های برحق آنان گردد و راه مستقل خویش را به سوی جدایی کامل دین از دولت و پیوند ناگسستنی آن با مردم سالاری و آزادی به عنوان کلیتی تجزیه‌ناپذیر، در پیش گیرد".

آقای قنبری سخنان خود را به این شرح ادامه دادند: پس از بحث و بررسی شنیده‌ها، که در بسیاری موارد با پیشنهادهای مشخصی توأم بود (انتشار روزنامه، راه‌اندازی سایت الکترونیکی، برگزاری سمینار و غیره) بر آن شدیم که به وسیله‌ی يك پرسش‌نامه، مسئله را با امضاء کنندگان بیانیه در میان بگذاریم و نظر دوستان را در باره چگونگی ادامه کار جویا شویم. سمینار امروز و فردای ما حاصل آن نظرخواهی است. محورهای بحث سمینار هم، با اکثریت آرای کسانی که به پرسش‌نامه پاسخ گفتند، تعیین شده. در پی آن نظرخواهی، از آن دست امضاء کنندگان بیانیه که در پاریس زندگی می‌کنند دعوت شد تا نسبت به راه و روش تدارک سمینار، چند و چون سازمان دهی آن و کم و کیف مشارکت داوطلبانه خود در کار تدارک سمینار به گفتگو و تبادل نظر بنشینند. در جریان این نشست‌ها بود که "مجمع پاریس" با انتخاب محمود بابا علی، حیدر تبریزی، اکبر سیف، رسول قادری و علی کریمی به عنوان هیئت

مسئولین برگزار کننده سمینار، و نیز سیروس جاویدی، شهرام قنبری، امیر هوشنگ کشاورز صدر، و ناصر مهاجر به عنوان همکاران این هیئت، تدارك عملی سمینار را آغاز کردند. گروه های کاری شکل گرفت که بیش و کم ماهی يك بار به جلسات ماهانه "جمع پاریس" گزارش می دادند، با همفکری و همیاری مشکلات را حل می کردند و راه برگزاری سمینار را هموار می ساختند. جا دارد که از همه آن ها، به خصوص از حسین دولت آبادی، مازیار دولت آبادی، رسول آذرنوش و قادر اسکندانی قدردانی کنیم. همچنین از اصغر ایزدی، مهران پاینده، باقر مرتضوی و حمید نوذری در آلمان، بهمن سیاووشان در آمریکا، رضا اغنمی، فرشید جمالی و علی رضوی در انگلستان و ناصر رحیم خانی در سوئد که امر ارتباط گیری با امضاء کنندگان بیانیه را در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا را به پیش بردند، و ایران انصاری، مسعود بحرینی، نبی صمیمی و بهروز عارفی که برای برپایی موفقیت آمیز این سمینار به راستی زحمت کشیدند.

این که این فهرست دربرگیرنده نام هیچ زنی نیست، به رغم اراده و علاقه برگزار کنندگان سمینار بوده است. راست این است که کوشش هایی که برای مشارکت زنان آزادیخواه پایبند به لایسیسته و دمکراسی انجام گرفت- به ویژه برای ایراد سخنرانی- به جایی نرسید و موانع و مشکل های شخصی سد راه شرکت فعال آن ها در سمینار شد.

در پایان این توضیحات، آقای قنبری از حضار خواستند به احترام کلیه مردان و زنانی که در راه آزادی و استقلال ایران جان باخته اند، از جا برخیزند و يك دقیقه سکوت کنند. آن گاه آقای رضا اکرمی، اداره جلسه را به عهده گرفتند و از آقای علی شاهنده - از بنیان گزاران جمعیت حقوقدانان ایران و چهره های سرشناس نهضت ملی ایران- خواستند که پشت

تریون قرار بگیرند و رساله شان را در باره "لائسیته در جنبش و انقلاب مشروطیت ایران" ارائه دهند. پس از ایشان آقای ناصر رحیم خانی- از زندانیان سیاسی حکومت محمد رضا شاه پهلوی و از کوشندگان جنبش چپ ایران در تبعید- به خواندن رساله شان "جمهوری خواهی در ایران و پیشینه آن" پرداختند. آن گاه آقای عباس ولی استاد دانشگاه Wales انگلستان، رشته سخن را به دست گرفت و تاملاتشان را نسبت به مفاهیم "جمهوری لائیک، حکومت دمکراتیک و مسئله ملی" با شنوندگان در میان گذاشتند.

پس از این سخنرانی تنفس نهار داده شد. یک ساعت و نیم بعد، نوبت به آقایان امیرهوشنگ کشاورز صدر، پژوهشگر و از کوشندگان سرشناس نهضت ملی، و منصور فرهنگ استاد دانشگاه Bennington ایالات متحده رسید که به تشریح و تحلیل "موانع تاریخی و رفتاری دمکراسی در ایران" برآیند. پس از ارائه این کار مشترک، تریبیون به مدت یک ساعت در اختیار حضار قرار گرفت تا یک جا با هر چهار سخنران، بحث و گفتگو کنند.

با پایان این بخش از برنامه، بررسی "سرنوشت اصلاحات در جمهوری اسلامی" در دستور کار سمینار قرار گرفت. اداره این جلسات به خانم مهناز متین واگذار شده بود و هم ایشان بودند که از خانم شهلا شفیق، نویسنده و پژوهشگر در زمینه مطالعات زنان، خواستند که به بیان نقطه نظرهای شان در باره "دمکراسی، لایسته و آزادی زنان" برآیند. پس از خانم شفیق، آقای مسعود فتحی، از کوشندگان جنبش چپ و سردبیر سایت اینترنتی عصر نو، به بیان دریافت شان از "چشم انداز اصلاحات در جمهوری اسلامی" برآمدند. سپس، دو تن از دیگر از کوشندگان جنبش چپ، محمود باباعلی استاد دانشگاه و ناصر مهاجر، نویسنده و پژوهشگر، چکیده ای از رساله مشترک شان - "از اصلاحات تا براندازی:

تنگناها و چشم اندازها- را به اطلاع شنوندگان رساندند. در پایان این سخنرانی، بحث و گفتگوی همگانی در زمینه مسائل مطرح شده درگرفت که تا ساعت هفت و نیم شب ادامه پیدا کرد. پیش از آغاز بحث و گفتگو، خانم متین اعلام کرده بودند که: برای بزرگداشت ۱۸ تیر و به نشانه همبستگی با دانشجویان آزادیخواه ایران، جلسه امروز را کمی زودتر تعطیل می کنیم تا دوستان علاقه مند بتوانند به راه پیمایی که به این مناسبت برگزار می شود، بپیوندند. به خاطر کمبود وقت اما، پیام همبستگی سمینار به دانشجویان ایران خوانده نشد. (۱)

حضور چشمگیر شرکت کنندگان سمینار در راه پیمایی میدان اودئون پاریس، نشانه همبستگی جمهوری خواهان دمکرات ایرانی با دانشجویان آزادی خواه داخل کشور است. این نکته از سوی شماری از سخنرانان روز دوم سمینار، تصریح شد.

اداره جلسات صبح روز دوم را آقای حمید نوذری به عهده داشت. پیش از ورود به بحث "گام های مشترک آینده"، آقای نوذری از آقای علی راسخ افشار- پزشک و از اعضای قدیمی و سرشناس نهضت ملی ایران- که نتوانسته بودند در روز اول سمینار شرکت داشته باشند، دعوت کردند که رساله شان، "اصلاحات و تعارض آن با حکومت دینی" را ارائه دهند. پس از آقای راسخ افشار، آقای اقبال اقبالی از زندایان سیاسی حکومت شاه و از کوشندگان جنبش چپ از "جمهوری ایران، آلترناتیو ما" سخن گفتند. پس از ایشان آقایان حیدر تبریزی و اکبر سیف پشت تریبیون قرار گرفتند و خطوط اصلی طرح شان را "برای گسترش جنبش دمکراتیک و لائیک در ایران" ارائه دادند که با مشارکت آقای رضا اکرمی تهیه و تدوین شده است. هر سه این آقایان از کوشندگان دیرینه جنبش چپ هستند. سر آخر آقای شهرام قنبری- که ایشان نیز از کوشندگان جنبش

چپ اند و پژوهشگر در موسسه نظر سنجی و مطالعات اجتماعی و اقتصادی پاریس، به طرح "چند ملاحظه و يك پیشنهاد" درباره گام های مشترك آتی جمهوری خواهان دمکرات پرداختند. این رساله محصول هم فکری ایشان با آقایان محمود بابا علی و ناصر مهاجر می باشد. بحث و گفتگو درباره این سه رساله تا تنفس نهار ادامه داشت.

پس از تنفس نهار، خانم جمیله ندایی درباره ی خواسته های جنبش زنان ایران صحبت کردند و آقایان رضا اکرمی، اصغر ایزدی، محمود باباعلی، مهرداد درویش پور، علی راسخ افشار، مجید زربخش، محمد رضا شالگونی، مهران مصطفوی و رضا ناصحی در میزگردی طرح یا پیشنهادهای مشخص شان را برای هموار کردن راه و برداشتن گام های مشترك، به بحث و گفتگو گذاشتند. اداره این "میز گرد" با ناصر مهاجر بود که از سخنران ها خواست دست کم در دو دور ده دقیقه ای و پنج دقیقه ای، سخنان شان را طرح کنند؛ در ده دقیقه اول به صورت ایجابی و در پنج دقیقه آخر به شکل نقد نقطه نظرات يك دیگر. آقای مهاجر به این نکته نیز اشاره کردند که در پایان میز گرد و پس از تنفسی کوتاه، جمع بندی کلی ای از پیشنهاد ها و طرح هایی که در میز گرد عنوان می شود، ارائه خواهند داد. جمع بندی در ساعت ۵ بعد از ظهر به این ترتیب ارائه شد:

۱) همه شرکت کنندگان در میز گرد بر ضرورت ادامه حرکت این طیف از جمهوری خواهان لائیک، دمکرات و مستقل پا می فشارند. ۲) شماری بر آنند که حرکت این طیف از راه ایجاد محافل محلی جمهوری خواهان لائیک می گذرد که باید بحث های این سمینار را تداوم و تعمیق ببخشند و در جهت برپائی کنگره موسس جمهوری خواهان لائیک تلاش نمایند. ۳) شمار بیشتری بر این باورند که این سمینار باید هئیتی را مسئول هماهنگ کردن فعالیت های آن طیف از جمهوری

خواهان لائیک و دمکرات کند که نه خواستار دخالت نظامی آمریکا در ایران هستند، نه همکاری با سلطنت طلبان، و نه هماهنگ کردن حرکت خود با هیچ یک از جناح های اصلاح طلبان حکومتی. (۴) درباره ترکیب هیئت هم دو گرایش به چشم می خورد؛ یک گرایش بر ترکیب افراد مستقل و تشکل ها تاکید دارد و گرایش دیگر بر همکاری داوطلبانه همگان به صفت فردی شان.

پس از ارائه جمع بندی و پیش از نام نویسی برای بحث و گفتگوی حضار در باره نقطه نظرات ارائه شده در میز گرد، آقای مهاجر توجه شرکت کنندگان در سمینار را به چند نکته جلب کردند؛ با تمام شدن کار میزگرد، مسئولیت ما برگزارکنندگان سمینار هم تمام می شود. مسئولیت ما - همان طور که چند و چونش در آغاز کار سمینار از سوی آقای قنبری به آگاهی رسید - برگزاری این سمینار بر اساس خواست اکثریت امضاء کنندگان بیانیه ۳ خرداد ۱۳۸۰ بود که در نظر خواهی درباره چگونگی ادامه کار و راه های رسیدن به "خواست و آرزوی مشرک ما" شرکت کرده بودند. ما مسئولیت داشتیم ظرف و ظرفیت های مناسبی برای بحث در باره سه محور "معنای مشخص جمهوری لائیک ایران"، "سرنوشت اصلاحات در جمهوری اسلامی" و "گام های مشرک آینده" فراهم آوریم و این بحث ها را انتشار دهیم. اگر این نشست مسایلی را روشن کرده باشد و سبب حرکت و یا حرکت های جمع یا جمع هایی از میان ما شود، مایه خرسندی است. این مهم اما بیرون از وظیفه سمینار است. به همین خاطر موظفیم که پیش از پرداختن به اشکال ادامه کاری و همیاری، پایان رسمی سمینار را اعلام کنیم. پیش از این اما باید به آگاهی برسانیم که تمام هزینه های این سمینار بر دوش اعضای "جمع پاریس" بوده است. در صورتی که دوستان بتوانند در حد بضاعت خود در تامین هزینه های سمینار سهیم شوند، از بار برگزار کنندگان سمینار کاسته

اند.

پس از این توضیح کوتاه، آقای شهرام قنبری از سوی هیئت تدارک سمینار اعلام کردند: با توجه به این که ادامه بحث و گفتگو درباره گام های مشترك، معطوف به آغاز نوعی حرکت سیاسی ست و ما به هیچ رو نمی خواهیم هیچ يك از حضار را در محذور قرار دهیم و متعهد به چنین حرکتی کنیم، ضمن کسب اجازه از جلسه برای آغاز این بحث و گفتگو، تصریح می کنیم که تنها علاقه مندان به این تشریح مساعی خود را موظف به حضور در جلسه بدانند.

با تصریح این نکته، نشست کسانی که خواستار حرکت سیاسی در جهت تقویت جنبش دمکراتیک و هموار کردن زمینه شکل یابی جمهوری لائیک در ایران هستند، رسمیت یافت. پیش از نام نویسی برای شرکت در بحث و گفتگو، آقایان عباس عاقلی زاده و پرویز شوکت ضمن اعلام همبستگی، تجربه هم گامی های جمهوری خواهان دمکرات لائیک در آلمان (هانوفر) و آمریکا را با حضار در میان گذاشتند و آقای فریدون احمدی از ضرورت شکل گیری بدیل جمهوری خواهان مستقل در وضعیت سیاسی حساس امروز و پیوند با جنبش دمکراتیک در ایران سخن گفتند. سپس آقای ناصر مهاجر از حضار خواستند که کوتاه و مشخص نظرشان را درباره چگونگی برداشتن گام های مشترك آتی بیان کنند. وقت کم، شمار زیاد شرکت کنندگان در گفتگو و عدم تدارک کافی، مانع از آن شد که علاقه واراده جمعی بتواند در طرح مشخصی برای ادامه کار تبلور یابد. در نتیجه از هیئت مسئولین برگزار کننده سمینار خواسته شد تا همراه با کسانی که یا خود را نامزد همکاری با هیئت کرده بودند و یا از سوی کسانی نامزد همکاری شده بودند و این نامزدی را پذیرفته بودند، مسؤلیت پیشبرد فعالیت را تا نشستی که در چند ماه آینده تشکیل می شود به عهده گیرند.

هیئت تدارک سمینار و همکاران

پاریس ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۳، ۷ مرداد ۱۳۸۲
(۱) این پیام که به دست نویسنده ارجمند،
نسیم خاکسار نوشته شده، به این شرح است:
دانشجویان عزیز سراسر دانشگاه های ایران
ما طیفی از جمهوریخواهان دمکرات ایرانی که
در اندیشه راه جویی و همگام شدن با پیکار
مردم ایران در راه برچیدن نظام جمهوری اسلامی
و دست یابی به آزادی و دمکراسی این جا گرد
آمده ایم، به شما دانشجویان مبارز سراسر
کشور که برای زنده نگذاشتن یاد ۱۸ تیر
۱۳۷۸ برخاسته اید، درود می فرستیم؛ روزی که
صدای حق طلبانه و آزادی خواهانه دانشجویان
برای استیفای بخشی از حقوق مردم ایران، یعنی
آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی،
پیگیری پرونده قتل های زنجیره ای با گلوله و
هجوم از جانب حکومت گران مستبد روبرو شد. ما
با اعتراض جمعی تان در دفاع از آزادی که با
تظاهرات خیابانی و تحصن و انتشار بیانیه های
متعدد صدای تان را به گوش مردم جهان رسانده
اید، هم صدا هستیم. بزرگتان می داریم و
پیراهن خونینی که بر سر دست گرفته اید در
برابرمان داریم. و به پیکار خردمندانه و پر
شورتان در راه دست یابی به آزادی و دمکراسی
در ایران احترام می گذاریم

منشور جنبش جمهوری خواهی لائیک و دموکرات

منشور جنبش جمهوری خواهی لائیک و دموکرات

(پیش نویس متن پیش نهادی به اجلاس سراسری پاریس)

مردم ایران از نظام جمهوری اسلامی به جان آمده اند و از هر وسیله‌ی ممکن برای نشان دادن بی‌زاری‌شان استفاده می‌کنند؛ با این همه هنوز نمی‌توانند نیروی‌شان را برای در هم شکستن استبداد حاکم فشرده و متشکل سازند. ادامه‌ی این وضع، مخصوصاً در متن شرایط بحرانی کنونی خاورمیانه و ایران، می‌تواند به سرخوردگی و فرسودگی توده‌ی گسترده‌ی دامن‌بزند و نتایج بسیار خطرناک و فاجعه‌باری به دنبال بیاورد.

طرف‌داران دموکراسی و آزادی نباید تماشاگر منفعل چنین وضعی باقی بمانند. آن‌ها می‌توانند بدون نادیده گرفتن اختلافات‌شان، برای گستراندن هر چه بیش‌تر اقدامات مستقیم و مستقل بخش‌های مختلف مردم و تفویض و شفاف‌تر کردن جهت‌گیری دموکراتیک جنبش ضد استبدادی کنونی، به هم‌کاری‌های مشخصی دست‌بزنند و طرف‌معینی برای این هم‌کاری‌ها به وجود بیاورند.

ما امضاکنندگان این منشور، عزم و کوشش دست‌اندرکاران حرکت جمهوری‌خواهی لائیک و دموکرات را ارج می‌نهمیم؛ و نظر به وجود اختلاف‌های نظری، برنامه‌ای و راهبردی در میان افراد و گرایش‌های مختلف جنبش جمهوری‌خواهی لائیک و دموکرات، پیش‌نهاد می‌کنیم که عام‌ترین اشتراکات این طیف گسترده و رنگارنگ در قالب منشور واحدی گنجانده شود؛ و تنوع‌گرایش‌ها و پلاتفرم‌ها در محدوده‌ی دفاع از منشور این جنبش به‌طور کامل به رسمیت شناخته شود. ما بر این باوریم که آن‌چه به نام "سند سیاسی" از سوی گروه کارسند سیاسی تدوین شده، که خود حاوی گرایش‌های چندی است، به عنوان نظرگاه و پلاتفرم گرایش‌های معینی در درون این جنبش، انتشار یابد و راه انتشار پلاتفرم‌های دیگر، از سوی افراد و گرایش‌های دیگر، و از جمله آنانی که خواستار طرح تفصیلی دیدگاه و درخواست‌های خود در درون این جنبش هستند، هم‌چنان گشوده ماند. تنها از این راه است که می‌توان به‌راستی به تکوین جنبش فراگیر و نیرومندی یاری رساند که در پیکار علیه جمهوری اسلامی و دفاع از ارزش‌ها و پرنسپ‌های دموکراتیک، که بر منشور یگانه‌ی آن نقش بسته است، و بدون تحقق آن‌ها کم‌تر سخنی از پا گرفتن دموکراسی در ایران نمی‌توان به میان آورد؛ هم‌کاری گرایش‌های گوناگون، از لیبرال‌ها تا کمونیست‌ها، از فمنیست‌ها تا دین‌باوران لائیک را میسر می‌سازد. جنبشی که در عین حال که خود معطوف به

قدرت نیست و از بدیل و نوع معینی از جمهوری در برابر استبداد دینی حاکم دفاع نمی کند؛ برای گرایش های مختلف که هر یک از بدیل معینی جانب داری می کنند، امکان حضور فعال و گفت و گو با یک دیگر و با مردم کشور ما را در مقیاسی بزرگ فراهم می سازد.

از این رو ما اشتراکات زیر را، در انطباق با محورهای مورد تاکید فراخوان نخستین گردهم آیی سراسری جمهوری خواهان لائیک و دموکرات، به عنوان منشور جنبش جمهوری خواهی لائیک و دموکرات پیش نهاد می کنیم:

۱- مبارزه برای رهایی از یوغ نظام جمهوری اسلامی

۲- تلاش در راستای ایجاد یک جمهوری متکی بر حق رای آزاد و برابر همه افراد مردم و پاسخ گو به مردم؛ نفی هر نوع حکومت دینی، موروثی، مسلکی و غیرانتخابی و غیر قابل تغییر به وسیله مردم

۳- دفاع از برابری کامل حقوق همه شهروندان، مستقل از جنسیت، مذهب، مسلک، قومیت و ملیت

۴- دفاع از آزادی های سیاسی بی حصر و استثنا، از جمله آزادی اندیشه، بیان، قلم، حزب و تشکل

۵- دفاع از حق حاکمیت مردم و مخالفت با هر نوع مداخله قدرت های خارجی در تعیین سرنوشت مردم ایران

آذرشیبانی- احمد سپهر- بهرنگ آبکناری- بهروز نظری- تقی اغنیا- حمید جهان بخش- ژاله شه منش- علی اشرافی- علی دماوندی- سیاوش کمالی- شهرام بیات- محمد شیبانی- مسعود جوادی - مهدی کیا- (انگلستان)

نامه سرگشاده به اجلاس جمهوری خواهان لائیک و دموکرات در پاریس

نامه سرگشاده به اجلاس جمهوری خواهان لائیک و دموکرات در پاریس

تلاش برای سازمان یابی یک جنبش سیاسی، اجتماعی حول اصولی چون آزادی، سکولاریزم، کثرت گرایی، حق رأی عمومی و استقلال برای گشودن یک چشم انداز مردم سالارانه در افق سیاسی ایران امری است کاملاً بحق و ضروری. در شرایطی که فرآیند سقوط و فروپاشی استبداد دینی حاکم با گسترش دامنه ی مداخلات امپریالیستی، خصوصاً امپریالیسم امریکا، در جهان و در خاورمیانه توأم شده است و تحت کنترل در آوردن انتقال سیاسی- اقتصادی ایران به هدفی مستقیم برای سیاست های ضد مردمی، ضد دموکراتیک و غارتگرانه بدل شده، پاسخ گویی به چنین ضرورتی بیش از هر زمان دیگر فوریت دارد.

طرفیت های سیاسی و فرهنگی جامعه ی ما، امروز، به درجه ای رشد یافته که نه تنها بر پای جنبشی برای دفاع از ارزش های بالا را ضمانت می کند، بلکه تحول این جنبش به یک بازیگر اصلی در صحنه ی سیاسی را نیز امکان پذیر می سازد. زنجیره ای از حرکت ها، مبارزات و جنبش های اجتماعی که گروه های بزرگی از زنان، کارگران، جوانان، روشنفکران، هنرمندان و ملیت ها و اقوام تحت ستم را به میدان آورده در کنار طیف گسترده ای از فعالان سیاسی متشکل و یا منفرد از کمونیست و سوسیالیست و آنارشیست، تا لیبرال، فمینیست، دین باوران لائیک و مدافعان برابری ملی، قومی که بر استقرار آزادی و دموکراسی در ایران پای می فشارند و در جهت تحقق آن مبارزه می کنند، بستری است که این جنبش می تواند بر روی آن بروید.

موفقیت هر کوششی در این راه در گرو پذیرش منطق تکوین و تحول جنبش های فراگیر اجتماعی، سیاسی است. منطقی که می توان آن را خلاصه کرد به **اصول و ارزش ها** و **اهداف** در اولویت های مطالباتی، تاکیدات راهبردی و تاکتیکی و برداشت های نظری پیرامون اشکالی که ارزش ها و اصول نهادی می شوند. روشن است که در این منطق، نه برای مفاهیمی چون "حداکثر" و "حداقل" در تعریف و تعیین اصول و ارزش ها جایی وجود دارد و نه برای "اقلیت" و "اکثریت" در بیان گوناگونی و تنوع درونی؛ به همان اندازه که در اصول و ارزش ها راه بروی سازش بسته است، در ترکیب درونی حذف، محدودیت و یا ترتیبات سلسله مراتبی بی معنی است.

در ک چنین منطقی محتاج داشتن برداشتی عینی از جنبش های اجتماعی، سیاسی و دینامیزم تکوین و تحول آنهاست. در چهارچوب چنین برداشتی مسلماً جنبش نه یک **سلسله مراتبی** یا **الگوی ذهنی**، بلکه **سلسله مراتبی** زنده و خود پو است؛ اصول ارزشی آن از عام ترین ضرورت های عینی بیرون می

آیند و در نقش خط راهنمایی عمل می کنند که افق و راستای حرکت را نشان می دهند. از این دیدگاه، اشکال نهادی (از جمله نهادهای سیاسی) نه □□□□□□ □□ بر جنبش بلکه □□ □□□□ ی □□□□□□ آنست؛ این جنبش است که در فرجام خود بصورت نهاد در می آید و نه بالعکس.

ما امضاء کنندگان این نامه سرگشاده برآنیم که بخش مهمی از آنچه تحت عنوان "اسناد سیاسی" تهیه شده و برای تصمیم گیری در نشست سراسری پاریس انتشار یافته از چنین منطقی و چنین درکی فاصله دارند. مندرجات و محتویات بسیاری از این اسناد بیش از آنکه مشترکات قطعی موجود در میان طیف گسترده حامیان جنبش جمهوری خواهی لائیک و دموکرات را تبیین کرده باشند، اختلافات را (و بعضاً اختلافات قطعی را) بیرون کشیده اند و آنها را مورد پرسش و موضوع تصمیم گیری قرار داده اند. در این اسناد، مستقیم و غیر مستقیم، گرایش به انزواجویی ایدئولوژیک و تک صدایی سیاسی به رسمیت شناخته شده و جای تأکید بر چندگونه گی نظری و سیاسی را گرفته است. به باور ما، تلاش موفق در جهت سازمان یابی یک جنبش واقعی و فراگیر در گرو تجدید نظر در چنین رویکردی است. حسن نیت دست اندکاران و فداکاری های تحسین بر انگیز آنان زمانی در این راستا به ثمر خواهد نشست، که گردهمایی پاریس در نخستین قدم بتواند یک چهارچوب ارزشی مشترک و فراگیر را ترسیم کند و (خط سوم) جمهوری خواهی را از تمامی ظرفیت حمایتی خود بهره مند سازد.

با این فرض که اکثریت بزرگی از کوشندگان حرکت جاری و شرکت کنندگان در گردهمایی پاریس در این نگرش با ما سهم اند و با درایت و احساس مسئولیت از پیش نهاداتی که در این جهت ارائه شود استقبال خواهند کرد، ما امضاء کنندگان این نامه خطوط زیر را به عنوان چهارچوب مشترک و منشور فراگیر جنبش جمهوری خواهی لائیک و دموکرات پیش نهاد می کنیم. با این توضیح که درون این چهارچوب گرایشات نظری، سیاسی متفاوت از استقلال کامل بر خوردارند و تنوع برنامه ای و راهبردی، اختلافات در اشکال نهادی، ناهمگونی در تعیین اولویت های مطالباتی و ترجیحات تاکتیکی بطور کامل به رسمیت شناخته می شود.

- حق رأی و مشارکت آزاد و برابر همه ی افراد مردم در حیات سیاسی کشور، مستقل از جنسیت، قومیت، ملیت، مذهب و نژاد؛

- آزادی های سیاسی بی حصر و استثناء، از جمله آزادی اندیشه، بیان، قلم، تحزب و تشکل؛

- جدایی دین از دولت؛

- تضمین حقوق برابر زنان و مردان در همه عرصه ها؛

- به رسمیت شناختن حقوق همه ی قوم ها و ملیت های ساکن ایران برای حاکمیت بر سرنوشت خویش

- تامین حقوق اجتماعی اساسی ای که لازمه ی شهروندی برابر است، از جمله معاش، مسکن،

بهداشت، آموزش و کار؛

- دفاع از استقلال کشور و حق حاکمیت مردم ایران و مخالفت با هرگونه مداخله ی خارجی در تعیین سرنوشت آنان.

- تحقق اصول بالا در گرو برجیده شدن جمهوری اسلامی؛ نفی هر گونه حکومت دینی، موروثی، مسلکی، غیر انتخابی و غیر قابل تغییر به وسیله مردم؛ و برقراری یک جمهوری بر آمده از آراء مردم و پاسخگو به آنان است.

- مجلس مؤسسان منتخب مردم یگانه مرجع تعیین نظام سیاسی جای گزین است.

محمد آزادگر، اصغر ایزدی، بهرنگ آبکناری، پیران آزاد ، سعید آزاد، حجت پوینده، حسن حسام ، حمید ریاحی، طاهره سعادت، اکبر شالگونی ، محمد رضا شالگونی، اردشیر مهرداد ،رحیم نجاران